



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۶/۲۵

د. صلاح سعیدی

## قیاس مع الفارق خطاست!

### (مقارنه حكومتیهای جمهوری های ایران و افغانستان)

بحث شما جناب... جالب و مانند همیشه به نکات مهم و مرکزی متوجه و انسان را به تعمق بیشتر وامیدارد، تشکر از نوشته ای شما  
اما بگذار بنویسم و شما را به تعمق بیشتر وادارم :

#### قیاس مع الفارق خطاست !

شما میتوانید اشیای مشابه مثلاً سیب را با سیب دیگر مقایسه و مقارنه کنید و در نتیجه به نتیجه گیری ها و قانونمندی های برسید که این نتیجه گیری ها در علوم ساینسی (اگزکت ساینس) به نتایج مشخص یقینی منجر میشوند (  $2+2=4$  )، اما در علوم اجتماعی این نتیجه گیری ها بخاطر تفاوت شرایط داخلی، بیرونی، اقلیمی، انکشافی و ... متفاوت بوده میتوانند و متفاوت اند !

لذا قانونمندیها و نتیجه گیری ها در تحلیل های سیاسی نیز در موارد، بنا بر تغییر مفرداتیکه تحلیل به آن استوار است و متفاوت بودن شرایط و حالات متفاوت و متغیر اند!

در مقایسه ملت ایران با افغانستان که ایرانی ها فرار نمی کنند و افغانها فرار کردند و .... باید گفت :  
اول ملت افغان و شهامت ملت افغان در طول قرون متمادی و مانند اولین کشور قیام کننده در برابر استعمار و نتایج حاصله، بر شهامت و شجاعت و دلیری این مردم و در کل افغانها گواه بلا دغدغه و بلا تردید هم هست !  
لذا موضع و موقف امروز موفق ایران و رهبران ایران در موفقیتهای شان در جنگ اخیر با حاکمیت نتانیاها و امروز را در مقارنه و نتیجه گیری کردن با افغانستان جمهوریت و سرکشیدن عده، قابل مقارنه و مقایسه و به صورت منطقی نتایج حاصله از تحلیل شما دقیق نه خواهد بود و نیست !

اگر دور نه رویم، هرزمانیکه افغانها بر هند و منافع استعمار به نحوی تحدید کردند، جانب ایرانی ( حاکمیتهای موجود درین حوزه) بر افغانستان حمله ور شده، تا افغانها را از حمله بر هند باز دارنداین جانب قضیه به حضور میلیونها افغان در ایران امروز و امکان کار و زندگی در آنجا و حتی در دفاع از منافع ایران در ساختار های زینبیون و فاطمیون بحث در جای خود باقی هست !

همچنان میدانیم که

جهان در یک تعبیر آسان ساز، جهان

غرب، امام خمینی و نظام موجود ایران را چنانچه از دهن تحلیل گران و عده از سیاسیون افغان میشود و مطرح میدارند: «حاکمان سیاسی امروز ایران را غرب در افغانستان و یا در ایران به قدرت رسانید ...

بلی این فهم و این تأکید درست و بجا نیست !

این هم درست نیست که دیروز حاکمیت رضا شاه را غربیها سقوط و حاکمیت امام خمینی را از فرانسه در طیاره سوار و به سازماندهی همه چیز به نفع خمینی به قدرت رسانید .

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

داستان را شما میدانید که در جنگ سرد شرق و غرب و تقابل چین، شوروی- حزب توده و ... از یک طرف و محل مورد بحث ما، شاه ایران، مانند دست‌نشانده آمریکا از جانب دیگر و مبارزات حرکات و سازمان‌های شیعه و خمینی از جانب دیگر (به صورت مشخص جهت تمرکز بحث) ضو وقوع ناآرامی‌ها در این ایران آنروز، بدون خواست آمریکا و بدون برنامه جهان غرب جریان داشت و داشت که اوضاع از کنترل شاه و حامیان‌شان بیرون میشد و بیرون بود!

در ایران آنوقت تغییر و انقلاب و سرنگونی شاه را شرایط عینی حتمی ساخته بود! سوال در آوردن انقلاب و تغییر بنیادی در ایران آن وقت نبود، آن واقع شدنی بود، سوال بر سر این شد که عوض رضاء شاه کی خواهد آمد و کی بهتر و نفی کبیبت؟ درین بهتر و بدتر، و بهتر و بدتر به نفع کدام نیروی خارجی و داخلی و جایگاه مردم در آن، مسایل مطرح بودند! خارجی‌های تأثیرگذار، فرانسه و غرب، روش پرگمیتیک انتخاب کردند که ازین دو بد به زعم غرب، کدام بد بهتر هست، مطرح بود!

حزب توده ای آنوقت، با تمام افکار چپی نزدیک به اتحاد شوروی و یا چین و یا خمینی با افکار دینی ضد کمونیستی؟ جواب واضح بود و انتخاب صورت گرفت و چپی با تمام کم و کاستی‌های خود هدفمند در ایران آنوقت بعد از به قدرت رسیدن رژیم موجود شیعه و دینی، به زور دین همراه با آزاد اندیشان، خلع سلاح، قلع و قمع و یا مجبور به فرار شدند! این نیروهای دینی در ایران، با شعارهای معین ضد امریکایی و افکار تاریخی ضد چپی و ضد عربی و قوت تفرقه‌های سنی و شیعه وسعت داده شد و امور را وسعت دادند.

درین میان آینده و انکشافات آینده و محاصره‌های چندین دهه اقتصادی و سیاسی ایران غنی از مواد سوخت و معدن و ساختارهای قومی مذهبی تا امروز مشکلات بزرگ را با قربانی تحمل کرد و درین میان به نحوی به خود کفایی در بخش از موارد فرصت یافت.

سیر حوادث در روسیه، اقتصاد چین و ... ختم معادلات یک قطبی جهان را چنان تغییر داد که منافع، دوست و دشمن مشترک مطرح شد و جهان از یک قطبی شدن در جسم پوتین و اقتصاد چین سبب شد که دو و یا سه دشمن بزرگ، دشمنان دیروز

(از یک طرف و آمریکا و یهود از جانب دیگر و ... از جانب دیگر آرای کنند!) شوروی و ایران (صادق بودن، حد اقل در یک صف ضد امریکایی و در هین غیر صادق باهم به خاطر دشمن مشترک متحد شوند و دوستی‌شان در سوریه و بخش از جا‌های دیگر نتیجه داد!) فراموش نه کنیم که دشمن نظام موجود حاکمیت ایران یعنی حزب توده و بقایای آن هنوز که هنوز هست در لست سیاه عده از کشورهای مهم جهان به شمول جانب امریکایی قرار دارد!

تکنولوژی جنگی امروز ایران با حضور صد ها متخصص روسی همین حالا در ایران و پیشبرد پروژه‌های بزرگ تسلیحاتی و انرژئی اتمی در ایران از جانب روسها، هندیها، چینیایی‌ها، کوریایی‌ها و ... سبب انکشافات زیاد تسلیحات ایران شد، تا حدیکه عدم ضرورت اشتراک روسها در جنگ ایران و اسرائیل (نتانیاهو) را عملاً روسها (روسیه فدراتیف) ضرورت و احتیاج ایرانی‌ها نمیدانند!

اقتصاد و پیشرفتهای اقتصادی ایران از زمان رضاء شاه و ... همه و همه ایران را از افغانستان متفاوت میسازد. مدعی پسر بودن (وارث شاه) رضاء شاه، در ایران امروز یک ادعا پسر بودن هست که به یقین ایشان از مادر غیر منکوحه رضاء شاه گویا متولد هست! ولی این شخص ادعا دارد که پسر رضا شاه هست!

در افغانستان تمام نیروهای تربیه شده در ایران، پاکستان و عده از ملی‌گرایان و استخبارات کشور ضد روسی و افکار ضد کمونیستی دست به دست هم دادند و ساختار و نظام از داخل پوسیده اندیشه‌های چپی و اقتصاد غیرطبیعی پوسیده را سقوط دادند و در عین حال متوجه بودند که نیروی جهادی وارد شده از کشورهای متحابه عربی و نیروهای غیرمهار جهادی در داخل افغانستان ممکن هست چهره منطقه را تغییر داده و غیر قابل کنترل باشد و شود!

درین میان در سیاست کاری قبل از مشروعین و شایستگی به‌ذاعتاد بیشتر و اولویت بیشتر، به تکلم به زبان انگلیسی و مختص همین حلقات بودند و نقش این نیروها در جامعه با عملکرد خطا، چور و چپاول‌های متعدد کاملاً ضعیف و عملاً ضعیف نگه داشته بود تا این افکار درد سر و سبب قوت جنبشهای اسلامی نه شوند! اصل وفاداری استخباراتی برای کادرهای جمهورییت ذ

در افغانستان اساس کار نیز بود. امروز می‌شنویم که مطرح بودن خانواده حاجی قدیر در افغانستان بخاطر هم بود که ایشان یگانه افسر انگلیس وقت، داکتر برابردن در فرار و زنده ماندنش در راه فرار در جنگ سوم افغان و انگلیس، کمک کرده بودند!

قصه دراز کوتاه، ایجاد جمهورییت اخیر در افغانستان با سیاست کادری بالا، دیسانت پراشوتی سیکولاریستها، در جامعه قبیلوی و دادن بادیکاردهای خویش برای شان و ساختار سیاسی طیف ریاست جمهوری امریکا و روشهای خانی و ملکی و مرکز تصمیم‌گیری آقای زاده، سفارت، کزری، غنی... این و دهها مورد تخلف مافیایی اقتصادی کشورهای خارجی به شمول امریکا (کمپنی‌های سوپریم و محافظتی و دزدعای بانکها به صورت کلاسیک و ...

پایاده کرده اقتصاد بارار آزاد وحشی، بدون مهار کردن با قوانین مدرن، دیمومراسی میتدل و سیکولار و .... همه و همه ، ثابت میسازد که جناب شما دارید قیاس مع الفارق میکنید و نتیجه گیری های شما هم خطاء میشوند !

ایران / حکومتی ها در ایران محل فرار در خارج ندارند، در حالیکه حکام جمهوریت افغانستان داشت!!  
ایران قسماً خود کفا در تمام عرصه ها بنا بر مجبوریتهای محاصره اقتصادی و سیاسی، ایران با داشتن ساختار سیاسی بزرگ دینی و ضد عربی با افغانستان با حاکم پراشوتی و در موارد بهتر مدیران دور مانده از رسم و رواج افغانها و مدیر بانک با مقارنه به رهبر ایرانی، دینی مسلط بر قلب، مقارنه و مقایسه شما را خطا میکشد و همان قیاس مع الفارق میشود !!

افراد و کادر ها در حالت خوب از پوهنتون با تکالیف بزرگی صحی و با بادیگارد های خارجی وارد افغانستان ساخته شدندو کشور را کسیکه نان میداد، فرمان میداد! ایران چنین نبود و نیست! روش و سیاست تقیه ای شیعه و انعکاس آن در سیاست دولتی ایران و سیاست ایران با های روسها، اروپایی ها، کشور های عربی و اسلامی بحث مستقل میطلبند !

این و دهها مورد ثابت میسازد که مقارنه و مقایسه افغانستان با ایران در برخورد بزرگان جمهوریت اخیر جمهوریت در افغانستان و مقاومت رژیم موجود در ایران مقارنه و مقایسه قیاس مع الفارق و غیر قابل مقایسه هست ! مکرر کهدطالب امروز که دیگر چندان جای پای در ایران و خاصتاً در پاکستان ندارد، با طالب دیروز متفاوت در انتخاب هست !

حاکمیت موجود طالب در افغانستان در دوحه ۲۰۲۱ آنکه نان میداد، در دوحه ( ۲۰۲۱ ) فرمان دادو شد که به نحوی تلاش مقاومت وجود ولی تداوم به علت تمیم نان ده، تغیر کرد و فرار بر قرار تحمیل شد! این تحمیل و موقف پرگمٹیک جواب یتیم و بیوه سرباز افغان را که بزدلانه به تیغ دشمن قرار داده شد، هیچ رهبر و زعیم حکومتی توجیه کرده نمی توانند!

ایشان دیگر حد اقل از لحاظ اخلاقی هم که باشد، حق زعامت را ندارند!  
توبه و استغفار و رول سرباز ممکن در کم کردن و تلافی گناهتن شان بهترین موضع برای شان باشد! اکت و تمثیل رهبر شدن هیچ شایسته شان نیست!

تمرکز به نسخه و راهکار خروج از بحران باید در تمام تلاشهای افغانی اساس قرار بگیرد!  
رهبر و زعیم در حق انتخاب ملت بود و باید باشد! این تلاش نصب رهبر و زعیم از بالا، خارج و در بازی های استخباراتی خطاء بود و هست!

د. صلاح سعیدی  
۲۰۲۲۳۴۵۶۷۸۹۰/۲۴